

امنیت اقتصادی در پرتو نظرهای شورای نگهبان

امیر هوشنگ دهقان^۱، روح الله رحیمی^۲، حسین علایی^۳

چکیده

تفسیر موسع قانون اساسی در حمایت از حقوق مردم و هم چنین ضرورت تصویب قوانین جامع می تواند اصلی ترین مسئله ای باشد که در صورت اعمال، در حوزه حقوق اقتصاد عمومی به بهبود شاخص های امنیت اقتصادی کشور می انجامد. شورای نگهبان به عنوان مفسر و صیانتگر قانون اساسی و حقوق و آزادی های اقتصادی می تواند اساسی سازی حق امنیت اقتصادی را در صلاحیت های قانونی اقتصاد بخش عمومی تضمین کند و این عملکرد حاصل نمی شود مگر با تبیین امنیت اقتصادی در تمامی ارکان حاکمیتی. همانا شناخت شاخص های امنیت اقتصادی، عنصری راهگشا در ارتقای امنیت اقتصادی است.

هدف از پژوهش کاربردی و توصیفی و تحلیلی پیش رو، بررسی تأثیر نظرهای شورای نگهبان بر امنیت اقتصادی کشور است. با ارائه چه الگویی می توان نظر و تفسیر شورای نگهبان از قانون اساسی را در راستای حمایت از شاخص های امنیت اقتصادی کارآمدتر کرد؟

فرض پژوهش این است که عملکرد شورای نگهبان بر شاخص های امنیت اقتصادی تأثیر مستقیم دارد. ایجاد شیوه تخصصی و تفسیری بر اساس الگوی عالی اجتهاد پویا و ارزش های عالی اقتصادی قانون اساسی را می توان الگویی در نظر گرفت که در آن از امنیت اقتصادی به عنوان رکن اصلی اقتصادی در جامعه حمایت صورت گیرد و باعث بهبود عملکرد شورای نگهبان در راستای بهبود شاخص های امنیت اقتصادی گردد.

واژگان کلیدی: امنیت اقتصادی، تفسیر، نظرهای شورای نگهبان.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، amir.deh@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)
rahimi.mehr48@yahoo.com

۳. استادیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، alae1364@yahoo.com

مقدمه

حقوق اقتصادی به عنوان یک رشته حقوقی به مجموعه‌ای از قواعد، عرف‌ها، ساختارها و نهادهای قانونی اشاره دارد که در پاسخ به نیازهای جدید و افزایش نفوذ سیستم اقتصادی در جوامع امروزی شکل گرفته است. این حقوق به طور خاص به قانون‌مند کردن موضوعات کلیدی اقتصادی نظیر قیمت کالاها و خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی، ارز، دستمزد، صادرات و واردات، بانکداری، بیمه، اوراق بهادار و مالیات‌ها می‌پردازد. این رشته به عنوان ابزاری برای ایجاد نظم و انضباط در زمینه فعالیت‌های اقتصادی عمل و به تعامل و رقابت میان افراد، نهادها و دولت در محیطی نهادی کمک می‌کند.^۱

محیط نهادی در اقتصاد به عنوان یک چارچوب قانونی و اداری شناخته می‌شود که در آن، افراد حقیقی، حقوقی و دولت، درآمد و دارایی تولید و با یکدیگر رقابت می‌کنند. در شرایط بحران جهانی کنونی، نقش دولت در اقتصاد کشورهای مختلف افزایش یافته و این امر، اهمیت وجود یک محیط نهادی مستحکم را بیش از پیش نمایان کرده است. کیفیت نهادها، تأثیری قابل توجه بر رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی دارد و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و تولید نیز نقش اساسی ایفا می‌کند. امنیت اقتصادی به عنوان یکی از نهادهای حقوقی کلیدی به توزیع عادلانه منافع و هزینه‌های سیاست‌های توسعه‌ای یاری می‌رساند.

در راستای تأمین امنیت اقتصادی، نظارت و دادرسی اساسی نیز راهکاری مهم معرفی شده است.^۲ این نوع نظارت بر مبنای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی صورت می‌گیرد و وظیفه آن بر عهده شورای نگهبان قرار دارد.^۳ یکی از وظایف اصلی این شورا، تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرع و اصول قانون اساسی است که به ویژه در مورد امنیت اقتصادی و احکام مربوطه بسیار اهمیت دارد. بنابراین، شورای نگهبان باید در بررسی مصوبات به تأمین امنیت اقتصادی توجه داشته باشد و این موضوع را در تفسیرهای خود در نظر بگیرد.

۱. قاسمی حامد، عباس، «حقوق اقتصادی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۰، ۱۳۹۴، صص ۵۵-۳۱.

۲. پروین، خیرالله، «جستاری بر اندیشه دادرسی اساسی در جهان»، مطالعات حقوق تطبیقی، سال ششم، شماره ۱، ۱۳۹۴، ص ۱۵.

۳. طلائی، اکبر و محمدامین ابریشمی‌راد، «بررسی ماهیت نظرات شورای نگهبان»، دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۹۲، ص ۳۹.

هدف از مقاله حاضر که به صورت یک پژوهش کاربردی تهیه شده و از نظر گردآوری داده‌ها و اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل، تحلیلی و توصیفی است، فهم این مسئله است که با ارائه چه الگویی می‌توان تفسیر و نظارت شورای نگهبان از قانون اساسی را در جهت حمایت از شاخص‌های امنیت اقتصادی کارآمدتر کرد؟ فرض پژوهش هم این است که عملکرد شورای نگهبان بر شاخص‌های امنیت اقتصادی تأثیر مستقیم دارد.

برخورداری از امنیت اقتصادی در اصول متعدد قانون اساسی مشاهده می‌شود و شورای نگهبان در رویه خود در تفسیر اصول مختلف آن به صورت تلویحی به امنیت اقتصادی و برخی مؤلفه‌های آن توجه نشان داده است. با این حال، ارتقای نقش شورای نگهبان به عنوان نقش مؤثر در رشد اقتصادی کشور، برنامه جامعی می‌طلبد. این برنامه می‌تواند پایه و اساس فراوان داشته باشد، ولی ایجاد یک روش تفسیری بر اساس شیوه تخصصی و تفسیری به عنوان الگوی عالی اجتهاد پویا و ارزش‌های عالی اقتصادی قانون اساسی را می‌توان راهکاری در نظر گرفت که در آن از امنیت اقتصادی به عنوان رکن اصلی اقتصادی در جامعه حمایت شود.

در این زمینه و با توجه به مطالعات مختلف، پیشینه یکسانی با مقاله موجود یافت نشد. پس به پژوهش‌های مشابه در این زمینه اشاره می‌شود. کلاته (۱۴۰۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «تأثیر نظارت تقنینی شورای نگهبان در تأمین امنیت حقوقی شهروندان» بیان می‌کند که شورای نگهبان به عنوان نهاد پاسدار قانون اساسی، نظارتی پیشنهادی بر مصوبات قوه مقننه را اعمال می‌کند و می‌تواند با اعمال نظارتی صحیح و مناسب، نقشی مهم در تضمین امنیت حقوقی شهروندان داشته باشد.^۱

خرسند موقر و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش «تحلیل حق اشتغال و مصادیق آن در رویه شورای نگهبان و مطالعه تطبیقی آن با دیوان عدالت اداری» می‌گویند: «حق اشتغال با همه اهمیتی که دارد، حق مطلق نیست و در قوانین اساسی و عادی برای اعمال این حق، استثنائاتی در نظر گرفته شده است. صیانت از این حق نیز بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است. از این رو، هم در تصویب طرح‌ها و لوایح، لزوم توجه به حقوق شغلی افراد از سوی شورای نگهبان مورد صیانت واقع می‌شود و هم

۱. کلاته، علی، «تأثیر نظارت تقنینی شورای نگهبان در تأمین امنیت حقوقی شهروندان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۴۰۲.

در استعلامات دیوان عدالت اداری، این مهم مورد مذاقه شورای نگهبان قرار می‌گیرد. ترسیم و تحلیل رویه و نوع مبانی نظری شورای نگهبان در زمینه موضوع اشتغال، نوع مواجهه با مواردی را که تضییع‌کننده این مهم است، به خوبی نشان می‌دهد.^۱

اردلانی (۱۳۹۷) در پژوهش «جایگاه فعالیت‌های تجاری از منظر قانون اساسی و شورای نگهبان» با بررسی منابع فقهی و قانونی می‌کوشد فعالیت‌های تجاری مندرج در قانون تجارت را با توجه به مقدم بودن آن بر قانون اساسی و تأسیس شورای نگهبان و نظرهای ابرازی این نهاد بر فعالیت‌های تجاری از نظر زمان تصویب و مطابقت و مخالفت بررسی کند و در موارد خاص، امکان مراجعه به مبانی فقهی و اجتهادی نسبت به فعالیت‌های تجاری متناسب با نیاز جامعه، قرابت و هم‌خوانی بیش‌تری بیابد.^۲

ایرج (۱۳۹۴) در پایان‌نامه «صیانت از حقوق مالکانه اشخاص در پرتو آرای دیوان عدالت اداری و نظرات شورای نگهبان»، حفظ حقوق مالکانه مردم را سرلوحه کار دو نهاد مهم دیوان عدالت اداری و شورای نگهبان قانون اساسی می‌داند، ولی با این تفاوت که تحت عنوان قاعده تسلیط بوده و حمایت شرعی، فراتر از حمایت قانونی است. به باور نویسنده یادشده، صراحت نداشتن در نظرها و آرا برای صیانت از حقوق مردم مطلوب نیست و بایستی حد و حدود و شاخص‌های مالکیت افراد به دقت تعیین گردد تا هم مردم به حقوق خود آگاه باشند و هم دیوان عدالت اداری بتواند نقش سازنده خود را به درستی ایفا کند.^۳

گفتار اول. امنیت اقتصادی: مفهوم و شاخص‌ها

امنیت اقتصادی، یکی از مسائل حیاتی و روزمره برای افراد در هر جامعه‌ای است و تأثیر آن بر زندگی روزانه هر کسی پوشیده نیست. با این حال، مفهوم «امنیت اقتصادی» به دلیل تنوع دیدگاه‌ها همواره با چالش‌ها و مناقشه‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. این چالش‌ها گاه ناشی از توافق نداشتن

۱. خرسند موقر، نسترن، سید محمد هاشمی و علی محب، «تحلیل حق اشتغال و مصادیق آن در رویه شورای نگهبان و مطالعه تطبیقی آن با دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، شماره ۴۱، ۱۴۰۰، صص ۱۳۲-۱۱۰.

۲. اردلانی، کورش، «جایگاه فعالیت‌های تجاری از منظر قانون اساسی و شورای نگهبان»، نخستین جشنواره تألیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی، قم، ۱۳۹۷.

۳. ایرج، محسن، «صیانت از حقوق مالکانه اشخاص در پرتو آرای دیوان عدالت اداری و نظرات شورای نگهبان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران، ۱۳۹۴.

در تعریف و معیارهای امنیت اقتصادی و گاه به دلیل تغییرات سریع در وضعیت‌های اقتصادی و اجتماعی است.^۱ در این راستا، درک عمیق‌تری از مفهوم امنیت اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان راهکارهای مناسبی برای تحقق آن ارائه داد.

در تعریف امنیت اقتصادی، یکی از معیارهای بنیادین این است که سیستم‌های اقتصادی تا چه حد می‌توانند از مردم در برابر فشارهایی که خارج از کنترل آن‌هاست، محافظت کنند. این فشارها می‌توانند شامل بحران‌های مالی، نوسان‌های قیمت‌ها، جنگ‌ها و مشکلات اجتماعی باشند. بنابراین، موفقیت یک سیستم اقتصادی در تأمین امنیت اقتصادی به توانایی آن در شناسایی، پیش‌گیری و مقابله با این چالش‌ها بستگی دارد. این عملکرد ممکن است از طریق تأسیس دولت رفاه یا دیگر سیاست‌های حمایتی صورت گیرد، اما در نهایت، هدف حفظ و تأمین امنیت اقتصادی برای همه اعضای جامعه است. مفهوم امنیت اقتصادی را می‌توان در دو جنبه اصلی بررسی کرد: امنیت اقتصادی در سطح کلان و امنیت اقتصادی در سطح خرد. در سطح کلان، امنیت اقتصادی به سلامت و پایداری کلی نظام اقتصادی یک کشور اشاره دارد که شامل عوامل سیاسی، اجتماعی و نظامی می‌شود. در این راستا، توجه به نهادهای دولتی و سیاست‌های اقتصادی نیز اهمیت دارد؛ زیرا این نهادها باید به طور مؤثر در مدیریت منابع و بحران‌ها عمل کنند. در سطح خرد، امنیت اقتصادی به تأمین نیازهای اقتصادی فردی و خانوادگی مرتبط است و به عواملی مانند اشتغال، درآمد و دسترسی به خدمات اقتصادی اشاره دارد.

شاخص‌های اقتصادی به عنوان یکی از پیچیده‌ترین معیارهای مؤثر بر ثبات اقتصاد کلان و امنیت عمومی یک جامعه شناخته می‌شوند. این شاخص‌ها می‌توانند به طور کلی شامل مواردی مانند رشد اقتصادی، فساد مالی و همچنین شاخص‌های فرآیندی و نهادی حوزه اقتصاد باشند. هر یک از این زیرشاخص‌ها نمایانگر وضعیت اقتصادی کشورها و توانایی آن‌ها در مقابله با چالش‌های اقتصادی است. برای مثال، رشد اقتصادی مثبت می‌تواند نشان‌دهنده توان‌مندی اقتصادی یک کشور باشد، در حالی که وجود فساد مالی می‌تواند به تضعیف امنیت اقتصادی منجر شود. از مهم‌ترین شاخص‌های امنیت اقتصادی می‌توان به شاخص‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی و قضایی اشاره کرد.

۱. ایروانی، جواد، سید ابوذر حسینی و مرتضی مرتضوی کاخکی، «نگرشی قرآنی به مفهوم امنیت اقتصادی و ترسیم نظام آسیب‌شناسی و تأمین آن»، فصل‌نامه آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۸، ۱۴۰۰، ۳۵-۱۹.

شاخص‌های سیاسی به ثبات و کارآمدی نهادهای سیاسی و حکومتی مرتبط می‌شوند و تأثیر مستقیم بر ایجاد امنیت اقتصادی دارند. هم‌چنین شاخص‌های نظامی به توانایی یک کشور در تأمین امنیت داخلی و خارجی اشاره دارند و در این زمینه، وجود تهدیدات نظامی می‌تواند به کاهش احساس امنیت اقتصادی منجر شود. در سطح اجتماعی، عواملی مانند نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توانند بر امنیت اقتصادی تأثیر بگذارند. به طور کلی، جوامع با نابرابری‌های شدید معمولاً با نارضایتی و تنش‌های اجتماعی بیش‌تری روبه‌رویند که به کاهش امنیت اقتصادی منجر شود. در نهایت، شاخص‌های قضایی نیز به قدرت و کارایی سیستم‌های قضایی در حل و فصل منازعات اقتصادی اشاره دارند و نقش مهمی در ایجاد یک محیط اقتصادی پایدار ایفا می‌کنند.

گفتار دوم. نقش و صلاحیت شورای نگهبان در تأمین و تضمین امنیت اقتصادی

شورای نگهبان در نظام جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و حفظ امنیت اقتصادی نقشی بی‌بدیل دارد. این شورا از طریق نظارت بر قوانین و مقررات و نیز تفسیر قانون اساسی و شرع در تلاش است تا محیطی پایدار، شفاف و قابل اعتماد برای کنشگران اقتصادی فراهم کند. تأمین امنیت اقتصادی به این معناست که فعالان اقتصادی، صاحبان کسب و کارها و سرمایه‌گذاران بتوانند در فضایی حقوقی و پایدار فعالیت کنند؛ فضایی که در آن، حقوق و آزادی‌هایشان محفوظ بوده و فعالیت‌های اقتصادی با حمایت قانون اساسی و موازین شرع اسلامی همراه باشد. این امنیت اقتصادی به بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشور و اعتمادسازی بین مردم منجر می‌شود. در این راستا، شورای نگهبان با نظارت بر مصوبات و مقررات، از پای‌بندی دستگاه‌های اجرایی به قانون اساسی و اصول شرعی اطمینان حاصل می‌کند.

نقش شورای نگهبان در تضمین امنیت اقتصادی را می‌توان در ابعاد مختلفی تبیین کرد. یکی از مهم‌ترین این ابعاد، بهبود کیفیت قوانین و شفاف‌سازی حقوق قانونی افراد و نهادهاست. شورای نگهبان تلاش می‌کند تا قوانین از سطح دستورهای اداری و بی‌اثر فراتر بروند و به چارچوبی مؤثر و قابل اجرا برای تأمین عدالت اقتصادی تبدیل شوند.^۱ این سخن به معنی تبدیل قوانین به گونه‌ای است که اعتماد مشروع را بین فعالان اقتصادی ایجاد کند. شفافیت در حقوق، دسترسی به قوانین

۱. ویژه، محمدرضا، «اصل امنیت قضایی»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۸۳، ۱۳۸۲، صص ۱۱۹.

و تعیین حدود مشخص برای حقوق متفاوت افراد، از جمله مواردی است که شورای نگهبان به طور جدی بر آن‌ها نظارت دارد تا بستر اقتصادی جامعه را تقویت کند. این شورا با تلاش برای ارتقای سطح کیفی قوانین و تضمین دسترسی آسان به آن‌ها در جهت افزایش اعتماد عمومی به نظام حقوقی و اقتصادی کشور گام برمی‌دارد.

نمود دیگر نقش شورای نگهبان در تأمین امنیت اقتصادی، نظارت بر بودجه سالانه کشور است. بودجه دولت به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی اهمیت ویژه دارد. نظارت مالی، یکی از کلیدواژه‌های اصلی شورای نگهبان در این زمینه است که به این نهاد امکان می‌دهد با کنترل بودجه، از بروز انحراف مالی، فساد و اختلاس در ساختارهای اقتصادی جلوگیری کند. بررسی و ارزیابی بودجه‌ای که مجلس تصویب می‌کند، به منظور رعایت اصول اقتصادی و مغایرت نداشتن با قانون اساسی و موازین شرعی، تضمین‌کننده این امر است که هزینه‌ها و درآمدهای دولت در راستای تأمین امنیت اقتصادی کشور مصرف می‌شود. این امر به افزایش شفافیت مالی و تقویت اعتماد عمومی به عملکرد اقتصادی دولت منجر می‌شود.

یکی دیگر از ابزارهای مهم شورای نگهبان در راستای تأمین امنیت اقتصادی، نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی از منظر مغایرت نداشتن با شرع و قانون اساسی است. مصوبات مجلس می‌تواند بر بستر اقتصادی کشور تأثیر مستقیم داشته باشد. از این رو، شورای نگهبان موظف است اطمینان یابد این مصوبات با اصول اسلامی و حقوق اساسی هم‌خوانی دارند. نظارت بر مغایرت‌های شرعی و قانونی مصوبات و اساس‌نامه‌های نهادهای دولتی از وظایف کلیدی این شورا به شمار می‌آید. این نظارت سبب می‌شود که مصوبات ناسازگار با اصول اسلامی یا مخل امنیت اقتصادی اصلاح یا از تصویب نهایی خارج شوند. این امر به جلوگیری از تهدیدات اقتصادی ناشی از مصوبات و تصمیمات ناسازگار با قانون اساسی کمک می‌کند و سبب بهبود بستر اقتصادی کشور می‌شود.

تحلیل اقتصادی رویکرد شورای نگهبان در جهت تفسیر قوانین از مسائلی است که تحلیلگران و کارشناسان بسیاری را بر آن داشته است تا این مسئله را حل کنند که آیا عملکرد شورای نگهبان را می‌توان از دید تخصصی شاخص‌های اقتصادی بررسی کرد یا خیر. نکته بسیار مهم در این زمینه و با توجه به عملکرد شورای نگهبان طبق قانون اساسی، سپردن صلاحیت صیانتی به شورای نگهبان

برای پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر مغایرت نداشتن مصوبات مجلس شورای اسلامی در جهت تضمین حقوق و آزادی‌های فردی است.^۱

در این راستا عنوان کلی صلاحیت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی که یکی از مسلمات این حقوق، امنیت اقتصادی محسوب می‌شود، از طرق و ابزار متنوعی به شورای نگهبان سپرده شده که برخی از آن‌ها به صورت مستقیم در حفظ حق امنیت اقتصادی مؤثر است. نظارت بر صلاحیت تقنینی مجلس شورای اسلامی از نظر مخالفت نداشتن با شرع و موافقت با قانون اساسی،^۲ تفسیر اصول قانون اساسی،^۳ اظهار نظر در خصوص مغایرت داشتن یا نداشتن اساس‌نامه‌های سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی^۴ به صورت مستقیم به مسئله نظارت بر امنیت اقتصادی مربوطند. به جز آن، صلاحیت شورای نگهبان در اعلام نظر نسبت به مصوبات مخالف شرع دستگاه‌های اجرایی که صلاحیت مقررات‌گذاری دارند که از طریق دیوان عدالت اداری انجام می‌پذیرد،^۵ در تضمین امنیت اقتصادی اهمیت فوق‌العاده دارد.

یکی از صلاحیت‌های شبه قضایی شورای نگهبان، تطبیق موضوعات قانونی موضوع مصوبات مجلس با موازین شرع و اصول قانون اساسی است. امنیت اقتصادی از جمله احکام قانون اساسی و موازین شرع تلقی می‌شود که شورا بایستی این حکم را بر موضوع مصوبات مجلس شورای اسلامی تطبیق دهد. حال شورای نگهبان موظف است تا با محور قرار دادن این موارد در دامنه مصوبات مجلس بکوشد تا احکام و موازین یادشده را تأمین کند. برای رسیدن به جوابی که بتوان مسئله رویکرد اقتصادی شورای نگهبان را تحلیل کرد، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که تفسیر صحیح از امنیت اقتصادی با استفاده از روش‌های متنوع تفسیر در شورای نگهبان به عنوان ابزاری قانونی، ابزاری قوی است که در صورت اجرای صحیح آن می‌توان شاهد بهبود رویکرد تفسیر قوانین در جهت بهبود شاخص‌های امنیت اقتصادی بود.

۱. مهرپور، حسین، «دادگاه حافظ قانون اساسی: شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۹، ۱۳۶۶، ص ۲۱.

۲. قانون اساسی، اصل چهارم.

۳. قانون اساسی، اصل نود و هشتم.

۴. قانون اساسی، اصل هشتاد و پنجم.

۵. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ماده هشتاد و هفتم.

صلاحیت بررسی مغایرت اساس‌نامه‌ای از دیگر مسائلی است که در صورت برنامه‌ریزی برای اجرای صحیح آن با معیارهای حقوقی و بین‌المللی، شاهد بهبود شاخص‌های امنیت اقتصادی توسط شورای نگهبان خواهیم بود. در این زمینه، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساس‌نامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند یا اجازه تصویب آن‌ها را به دولت بدهد. در این صورت، مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب یادشده در اصل ۹۶ با شورای نگهبان است.^۱

اگر مصوبه‌ای به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی در دیوان عدالت اداری مطرح باشد، موضوع برای اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیئت عمومی لازم‌الاتباع است.^۲ اصولاً تهدیداتی که قوه مجریه با استفاده از صلاحیت مقررات‌گذاری برای امنیت اقتصادی ایجاد می‌کند، بسیار است. تشخیص موازین شرعی از جهت انطباق با این مصوبات نیازمند صلاحیت اجتهادی است.^۳ و قانون‌گذار این مهم را به شورای نگهبان قانون اساسی سپرده است. امنیت اقتصادی که از مدلول تئوری نظام اقتصادی اسلامی مُلْهِم است، به شدت با تهدید از طرف ساختارها و ماهیت‌های اقتصادی غیر اسلامی روبه‌روست. اصولاً ممکن است صلاحیت آیین‌نامه‌ای مقامات اجرایی، متضمن مواردی از جنس این تهدید باشد. پس این اقتدار حقوقی شورای نگهبان نیز در حفظ حقوق و آزادی‌های فردی بسیار اهمیت دارد.^۴

گفتار سوم. رویه شورای نگهبان در تحقق امنیت اقتصادی با بررسی نمونه موردی

در این گفتار، به بررسی نقش شورای نگهبان در زمینه تحقق امنیت اقتصادی از طریق رویه‌های تفسیری و نظارتی آن پرداخته می‌شود. این گفتار با مرور نمونه‌های عملی از مصوبات و طرح‌های کلیدی در حوزه اقتصاد و تحلیل نظرهای شورای نگهبان در مورد آن‌ها، به تشریح چگونگی ارزیابی

۱. قانون اساسی، اصل هشتاد و پنجم.

۲. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ماده ۸۷.

۳. قانون اساسی، اصل نود و یکم.

۴. رفیعی علوی، سید احسان، «حق امنیت اقتصادی در حقوق عمومی: بررسی رویه شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۹.

این نهاد از انطباق مصوبات اقتصادی با قانون اساسی و موازین شرعی می‌پردازد. با توجه به وظیفه شورای نگهبان در تطبیق قوانین با اصول شرع و قانون اساسی، مصوباتی که بر امنیت اقتصادی تأثیرگذارند، از جمله موضوعات مهمی هستند که شورا در مواجهه با آن‌ها، رویکردی حساس و دقیق دارد. در این راستا، شورای نگهبان، نقش خود را با نقد و اصلاح طرح‌هایی ایفا می‌کند که می‌توانند به انحصار دولتی و تضعیف مالکیت خصوصی منجر شوند.

بند اول. لایحه تأمین و توزیع کالا مورخ ۱۳۶۴/۲/۵

عطف به نامه شماره ۱۱۶۲-ق مورخ ۱۳۶۴/۰۱/۲۶ و پیرو نامه شماره ۳۲۴۱ مورخ ۱۳۶۴/۲/۵؛ «لایحه تأمین و توزیع کالا» مصوب جلسه ۱۳۶۴/۱/۲۲ مجلس شورای اسلامی در جلسات شورای نگهبان بررسی شد که نظر اکثریت اعضای شورا به این شرح است: «لایحه تأمین و توزیع کالا که به صورت قانون دائمی و نه فقط برای مواقع ضرورت و بحرانی، نظام توزیع کالا را تعیین و مسئول آن را وزارت بازرگانی قرار داده (ماده ۳) و مبادرت به طبقه‌بندی کالاها به سه دسته اساسی، ضروری و عادی نموده و تعیین طبقه‌بندی را در اختیار دولت (وزارت بازرگانی) گذاشته (بند ۱ ماده ۳) و توزیع برخی کالاها را در انحصار دولت قرار داده (مستفاد از بند ۱ و ۳ ماده ۵) و تعیین دستگاه‌های مسئول توزیع (بند ۵ ماده ۳) و ایجاد واحدهای تأمین و توزیع (بند ۳ ماده ۸) را به دست دولت سپرده و امکان توزیع کلیه کالاهایی را که از تولیدات داخلی با واردات توسط دولت تأمین می‌شود، به دولت داده و تشخیص مصلحت را به عهده وزارت بازرگانی گذاشته (بند ۳ ماده ۵ و تبصره آن)، با توجه به امکانات عظیم دولت در تأمین کالا به وسایل مزبور و وجود بیش از دو واسطه را در توزیع کالا از تولید تا مصرف ممنوع نموده، حتی در مواردی که این امر تأثیری در افزایش قیمت نداشته، بلکه موجب تسهیل در امر توزیع و رسیدن کالا به دست مصرف‌کننده می‌باشد و...؛ کلاً در مسیر سلب اختیار از مردم و محدود کردن بی‌جهت آزادی شغلی افراد و دخالت آن‌ها در امور کشور و دادن سر رشته همه امور در نظام توزیع کالا به دست دولت می‌باشد و آن را به صورت کارفرمای بزرگ درمی‌آورد. لذا این لایحه با این صورت و محتوا که تنظیم شده، با اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی مغایر است و از لحاظ شرعی نیز به نظر اکثریت فقها با موازین شرع انطباق ندارد».

در این لایحه، دولت، شبکه‌ای گسترده برای تأمین و توزیع کالاهای اساسی و مهم اعم از تولیدات داخلی و وارداتی تحت اختیار و صلاحیت وزارت بازرگانی قرار داده بود. بر اساس این لایحه، وزارت بازرگانی،

مسئولیت اصلی را در نظام توزیع کالاها بر عهده داشت و با ایجاد انحصار در توزیع برخی کالاها، تعیین و نظارت بر دسترسی به این کالاها را به طور انحصاری به دولت سپرده بود. این تمرکز انحصاری و سلب اختیار از بخش‌های خصوصی و مردمی، نگرانی‌هایی درباره پی‌آمدهای آن بر امنیت اقتصادی و کاهش آزادی‌های اقتصادی و شغلی ایجاد کرد و شورای نگهبان این لایحه را بررسی کرد.

شورای نگهبان در نظر خود به مغایرت این لایحه با موازین شرع و اصول قانون اساسی اشاره کرد و در مخالفت با انحصار دولتی، بر لزوم حفظ آزادی‌های مشروع و قانونی مردم تأکید ورزید. شورا برای موارد خاص نیز ضوابطی برای انحصار مثبت ارائه کرد که شامل تعیین «مصلحت» به عنوان عاملی برای انحصار بود. برای تحقق انحصار مثبت باید شرایطی چون افزایش قیمت، محدودیت در برخی مشاغل یا کوتاه‌مدت بودن بازار انحصاری در نظر گرفته شود و دولت نباید از این انحصار به عنوان ابزاری برای تبدیل شدن به یک کارفرمای مسلط در بازار استفاده کند. هم‌چنین واگذاری اختیار ایجاد انحصار به دولت را مغایر قانون دانست و بیان کرد که تأیید وزیر در مواردی که منجر به انحصار و کاهش رقابت بدون الزام منطقی شود، با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به ویژه بند (ج) آن مغایرت دارد که برای حمایت از بخش‌های غیردولتی تنظیم شده است. این امر نشان‌دهنده دیدگاه شورای نگهبان به حفظ فضای رقابتی و مقابله با تمرکزگرایی دولتی است تا از سلطه انحصاری دولت بر بخش‌های اقتصادی جلوگیری شود و محیطی مناسب‌تر برای رقابت و توسعه بخش خصوصی فراهم آید.

بند دوم. طرح تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مورخ ۱۳۸۰/۳/۱۹

دولت در این طرح قصد داشت مالکیت را برای سرمایه خارجی تضمین کند تا فعالیت این سرمایه‌ها در قالب مالکیت تضمین گردد. شورای نگهبان بر این طرح چنین ایرادهایی گرفت:

۱. در ماده (۱) در تعریف سرمایه‌گذار خارجی، عبارت «ایرانیان مقیم خارجی» به «ایرانی» تغییر یابد؛ زیرا هدف، جلب سرمایه‌های خارج از کشور است؛

۲. در تعریف سرمایه خارجی، عبارت «و یا تسهیلات مالی» حذف گردد تا شائبه تحصیل وام از بین برود. بند (و) همین ماده نیز قابل حذف است یا می‌توان «هیئت» را به «شورای عالی» تغییر داد تا شائبه واگذاری اختیارات به معاونین وزرا رفع گردد؛

۳. در ماده (۲) بند (ب)، عبارت «تأمین مالی» حذف شود. ایضاً عبارت «تأمین مالی پروژه».

۴. در ماده (۳) می‌توان تصریح نمود که سرمایه‌ها نباید متعلق به دولت‌های خارجی باشند و در این صورت، باید با تصویب مجلس باشد؛

۵. در ماده (۴)، پیشنهاد توسط هیئت وزیران و تصویب توسط مجلس باشد؛

۶. در ماده (۵)، جمله دوم کلاً حذف شود؛

۷. در ماده (۶)، دو سطر اول حذف گردد و در پایان اضافه شود تا در مراجع ذی‌صلاح مورد بررسی قرار گیرد؛

۸. در ماده (۷) اعضای هیئت را می‌توان به وزرای مربوطه تغییر داد یا آن را با شورا جایگزین نمود؛

۹. در ماده (۱۳) لازم است به شورای نگهبان توضیح داده شود که با وجود تورم در کشور این ماده ضروری است در غیر این صورت باعث خروج مبالغی کلان ارز از کشور خواهد شد؛

۱۰. ایراد وارده به مواد (۱۱) و (۱۵) تنها از طریق تفهیم به اعضای شورا قابل رفع است؛ زیرا هیچ‌گونه ایرادی حتی از نظر قانون اساسی ندارند؛

۱۱. در ماده (۱۷)، حذف تبصره (۲) کارساز خواهد بود؛

۱۲. ایراد گرفته‌شده بر ماده (۱۹) با توجه به تأیید موافقت‌نامه‌های جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری مشترک با برخی کشورها جای تعجب دارد.

۱۳. حذف ماده (۲۱) و (۲۵) نیز به تأمین نظر شورای نگهبان کمک خواهد کرد.

پیشنهاد می‌گردد موارد مورد اختلاف با شورای نگهبان حتی‌الامکان تغییر عبارت یا حذف گردد و در آیین‌نامه اجرایی قانون به آن‌ها پرداخته شود.

شورای نگهبان در نظر خود، تضمین مالکیت سرمایه خارجی را عاملی برای ایجاد انحصار به نفع سرمایه‌گذاران خارجی دانسته و آن را مغایر با بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی تشخیص داد که مخالف سلطه خارجی بر اقتصاد کشور است. از دیدگاه شورا، مدل سرمایه‌گذاری خارجی در صورتی مورد تأیید است که بدون ایجاد حقوق مالکانه و انحصار صرفاً شامل تضمین بازگشت سرمایه از طرف دولت باشد. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری‌هایی که موجب تسلط خارجی و حقوق مالکانه در داخل کشور نشوند و تنها به عنوان یک طلب تضمین‌شده مورد حمایت قرار گیرند، از نظر شورا با قانون اساسی مغایرتی ندارند. در ارزیابی این موضوع به نظر می‌رسد که برای تحقق امنیت اقتصادی

در کشور، توجه به شاخص‌های اقتصادی از جمله رشد اقتصادی سالانه، ضروری است. این رشد پایدار اقتصادی بدون جذب سرمایه‌گذاری خارجی امکان‌پذیر نخواهد بود. سرمایه‌گذاری خارجی با ایجاد جریان نقدینگی، ارتقای فناوری و توسعه بازارها می‌تواند نقشی کلیدی در بهبود وضعیت اقتصادی ایفا کند. به همین دلیل، در پیش‌گرفتن سیاست‌های حقوقی و اقتصادی که امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی را بدون ایجاد تسلط بر بازار داخلی فراهم کند، از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند به رشد و توسعه اقتصاد ملی کمک کند.

بند سوم. لایحه اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۸

لایحه اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجزای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب جلسه مورخ ۲۲ مهرماه ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی در جلسات متعدد شورای نگهبان بررسی و نظر شورا به این شرح اعلام شد: «ذیل ماده (۲) به دلیل تفویض وظایف اجرایی به شورای موضوع این بند، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد. علاوه بر آن، صدر این بند که تشخیص را بر عهده دولت نهاده، دارای ابهام می‌باشد.

۲- ذیل تبصره (۱) بند (ج) ماده (۳) به دلیل تفویض امر تدوین آیین‌نامه نیروهای مسلح به هیئت وزیران، مغایر بند ۴ اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.

۳- تبصره (۲) بند (ج) ماده (۳)، دستورالعمل اجرایی در پاراگراف دوم ماده (۲۳)، بندهای (۷)، (۱۱)، (۱۴) و (۱۵) ماده (۴۱) و بند (۳) ماده (۵۹)، مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی شناخته شد».

در این لایحه که با هدف اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تنظیم شده بود، دولت، بسیاری از فعالیت‌های بخش خصوصی و غیردولتی را در اختیار مالکیت دولتی قرار داده و از واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی پرهیز کرده بود. در بررسی این رویکرد، شورای نگهبان با استناد به اصول قانون اساسی و روح سیاست‌های کلی اصل ۴۴، این اقدام را مغایر با اصول ترویج و حمایت از فعالیت بخش خصوصی و به ویژه حق واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به این بخش دانست.^۱ از دیدگاه شورا،

۱. فتحی، محمد و کاظم کوهی اصفهانی، اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان، تهران: سمت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵.

سیاست‌های اصل ۴۴ تنها به معنای تصدی‌گری دولت در بخش‌های مختلف اقتصاد نیست و هدف اساسی آن، ایجاد تعادل میان بخش‌های خصوصی و عمومی برای دستیابی به رشد پایدار و حفظ امنیت اقتصادی کشور است. بدین ترتیب، شورای نگهبان، تفکیک نقش دولت و بخش خصوصی را گامی مؤثر در مسیر تقویت امنیت اقتصادی دانسته و تلاش کرده است با تفسیر دقیق از سیاست‌های اصل ۴۴، مانع انحصارگرایی و سلطه کامل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی شود.

شورای نگهبان در تحلیل این لایحه بر این نکته تأکید کرده است که تأمین خدمات عمومی و ایجاد بسترهای لازم برای رشد اقتصادی، تنها از طریق مالکیت و تصدی‌گری دولت قابل تضمین نیست، بلکه دولت می‌تواند با درپیش گرفتن روش‌های متنوعی از نظارت ساده تا همکاری محدود و نظارت جامع، حضور خود را در بازار و اقتصاد کشور تضمین کند. این شورا به عنوان یک ضابطه کلیدی معتقد است در مواردی که ضرورت حضور دولت ایجاب می‌کند، روش‌های حداقلی که کم‌ترین محدودیت را برای بخش خصوصی ایجاد کند، بر روش‌های حداکثری که منجر به حذف رقابت و محدودیت مالکیت خصوصی می‌شود، ارجحیت دارد. به عبارتی، تقویت بخش خصوصی و ایجاد بسترهای رقابتی نه تنها به بهبود عملکرد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود دولت به عنوان یک ناظر در مسیر افزایش امنیت اقتصادی عمل و از سلطه مستقیم بر تمام فعالیت‌های اقتصادی کشور خودداری کند.

با توجه به دیدگاه شورای نگهبان، حتی در مواردی که در صدر اصل ۴۴، امکان حضور دولت در برخی فعالیت‌های اقتصادی ذکر شده است، افزایش حجم مالکیت دولتی و تصدی‌گری بی‌رویه دولت در این بخش‌ها، با اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و فلسفه پشت آن که بهبود و ارتقای اقتصاد ملی است، تضاد دارد. شورا معتقد است این سیاست‌ها به نوعی حکم قانون اساسی دارند و بر اساس آن، نقش نظارتی و تنظیم‌گری دولت باید بر فعالیت‌های بخش خصوصی حاکم باشد، نه تسلط مطلق. این تفسیر را می‌توان یکی از مهم‌ترین عملکردهای شورای نگهبان در راستای تحقق امنیت اقتصادی دانست؛ چون جلوگیری از تبدیل دولت به تنها کارگزار و مالک اقتصاد، در نهایت، به بهبود شاخص‌های امنیت اقتصادی و جلوگیری از رکود و فساد ناشی از انحصار کمک می‌کند.

بند چهارم. لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۴

دولت در این لایحه کوشیده بود زیرساخت‌های رقابت در بخش اقتصاد را کامل کند. پس برخی مسائل رقابتی مانند کیفیت، استاندارد؛ توان‌مندسازی بخش خصوصی و تعاونی و برابر ازی فرصت‌های بخش خصوصی و بخش دولتی را قانونی کرد. شورای نگهبان، مفاد رقابتی این قانون را مغایر با هیچ کدام از اصول قانون اساسی ندانست و تنها برای تقویت و ایجاز قانون، توصیه‌هایی به مجلس کرد و برای مصارف برخی طرح‌های دولتی هم پیشنهادهایی داشت تا به تقویت این مهم کمک کند. در ادامه این طرح، شورای نگهبان در خصوص ایجاد ابزارهایی مالی برای اجرای سیاست‌های رقابتی چنین نظر داد: «لایحه توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد».

این لایحه به عنوان گامی در جهت بهبود امنیت اقتصادی در کشور جایگاهی ویژه دارد. از طرفی، ابزارهای مالی جدید، شکل‌های متنوعی هستند از حق مالکیت بر کار و سرمایه. شکل سنتی حق مالکیت در بازار، مالکیت بر سرمایه و کار است، اما در بازار مدرن و به اقتضای توسعه مفهوم بازارها و پیچیدگی تراکنش‌های مالی، آشکال حق مالکیت به ابزارهای مالی تبدیل شده‌اند. یکی از خصوصیت‌های این مالکیت جدید، کمک به مسئله رقابت‌پذیری و حل مسئله اطلاعات است. ابزارهای مالی، دارایی‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را معامله کرد. آن‌ها هم چنین می‌توانند به عنوان بسته‌های سرمایه‌ای قابل مشاهده باشند. سرمایه‌گذاران انواع ابزارهای مالی یک جریان کارآمد و انتقال سرمایه را در سرتاسر جهان فراهم می‌کنند. این دارایی‌ها می‌تواند پول نقد، یک حق قرارداد برای ارائه یا دریافت پول نقد یا نوع دیگری از ابزار مالی یا شواهدی از مالکیت یک نهاد باشد.

این تعریف بین‌المللی نشان می‌دهد که ابزارهای مالی، اعتبار مالکیت یا اعتبار مالی هستند که به طور شفاف قابلیت بررسی در بازار دارند و بازدهی این ابزار در نهادهایی چون بورس و بازارهای مالی مدرن قابل پی‌گیری است. اطلاعات دارایی‌ها و شفافیت بازارها و تخصصی بودن بازارها سبب افزایش ضریب رقابت در این بازارها خواهد شد. دادرسی اساسی تطبیقی این این ابزارهای مالی را پذیرفته؛ چون ابزاری برای مقررات‌گذاری نیز هستند و در قوانین مختلفی، این ابزارها را زمینه عدالت مالیاتی و شفافیت اقتصادی دانسته است.

در تحلیل رویه شورا، رویه دایمی آن را می‌توان حمایت از ابتکارات منجر به رقابت دانست تا جایی که در اظهار نظر نسبت به ماده واحده قانون اجرایی اصل ۴۸ قانون اساسی که مجلس، دولت را به رعایت تقسیم عادلانه منابع ملی و ایجاد رقابت سازنده در استفاده از سهم بازار ملی مکلف کرده بود، بدون هیچ محدودیتی تأیید کرد. در این لایحه، مفاهیمی مانند تکنولوژی پیشرفته و خدمات گمرکی سیال وارد متن قانون شده است تا رقابت‌پذیری را تضمین کند. شورای مشورتی فقهی و شورای مشورتی حقوقی شورای نگهبان نیز در اظهار نظرهای خود، مفاهیم رقابتی در قانون را مخالف شرع و قانون اساسی ندانسته‌اند.

بند پنجم. مواد ۲۲ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک مورخ ۱۳۹۵/۸/۴

مجمع مشورتی فقهی در راستای نظارت شرعی خود بر قوانین و مقررات، مواد ۲۲، ۴۶، ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک را بررسی و سؤالاتی مطرح کرد. با ذکر عین این مواد، سؤالات شرعی و قانونی ذیل را نسبت به آن‌ها مطرح می‌کنیم تا با جواب قاطع و صریح فقهی معظم، این مشکل حل شود و خواسته رهبر معظم انقلاب نیز در این مورد عملی گردد.

ماده ۲۲: همین‌که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید، دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی را که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا این‌که ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد، مالک خواهد شناخت. در مورد ارث هم ملک وقتی در دفتر املاک به اسم وراثت ثبت می‌شود که وراثت و انحصار آن‌ها محرز و در سهم‌الارث بین آن‌ها توافق بوده و یا در صورت اختلاف، حکم نهایی در آن باب صادر شده باشد.

تبصره: حکم نهایی عبارت از حکمی است که به واسطه طی مراحل قانونی و یا به واسطه انقضای مدت اعتراض و استیناف و تمیز دعوی که حکم در آن موضوع صادر شده، از دعاوی مختومه محسوب شود.

ماده ۴۶: ثبت اسناد اختیاری است مگر در موارد ذیل:

۱. کلیه عقود و معاملات راجع به عین یا منافع املاکی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده باشد.

۲. کلیه معاملات راجع به حقوقی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده است.

ماده ۴۷: در نقاطی که اداره ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی موجود بوده و وزارت عدلیه مقتضی بداند، ثبت اسناد ذیل اجباری است:

۱. کلیه عقود و معاملات راجعه به عین یا منافع اموال غیر منقوله که در دفتر املاک ثبت نشده.

۲. صلح‌نامه و هبه‌نامه و شرکت‌نامه.

ماده ۴۸: سندی که مطابق مواد فوق باید به ثبت برسد و ثبت نرسیده، در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد.

سؤالات مطروحه:

۱. آیا خود سندی که به موجب آن، اداره ثبت شخصی را مالک ملکی دانسته است، از نظر قواعد شرعی، اماره معتبره بر مالکیت اوست و باید او را شرعاً نیز مالک دانست و یا آن که مالکیت اشخاص به موجب ید و تصرف مالکانه و یا شهادت بینة شرعی و مانند آن ثابت می‌شود؟ مفاد مواد مزبور در مالک دانستن شخص فوق به مجرد ثبت در سند فوق خلاف شرع است.

۲. با قطع نظر از سؤال اول، آیا مالک ندانستن هر کس که ملک خود را به ثبت نرسانده و در محاکم و ادارات همان گونه که از مواد فوق خصوصاً ماده ۴۸ استفاده می‌شود، صحیح است و یا آن که عموم آن نسبت به موردی که مالی با سبب شرعی و قانونی به شخصی منتقل شده، مثل بیع و هبه صحیح و ارث و سایر اسباب صحیح نیست و در نتیجه، عموم مواد فوق به موجب مفاد اصل ۴ قانون اساسی باطل است؟

طبق نظر فقهای شورای نگهبان، مفاد مواد ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک، صرفاً اختیاری دانستن ثبت در برخی موارد و الزامی دانستن آن در سایر موارد است که این مطلب به خود ایرادی ندارد، اما مفاد ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک و نیز ماده ۴۸ آن که دلالت بر بی اعتبار دانستن اسناد عادی غیر رسمی دارد، اطلاق آن در مورد سند عادی که قرائین و ادله قانونی یا شرعی، معتبر بر صحت مفاد آن‌ها باشد، خلاف شرع و باطل است. در مورد سند عادی همراه با قرائین و ادله فوق مانند سندی که بی‌ینه و شهادت شهود معتبر بر صحت آن باشد، این اسناد معتبر است و این دو ماده در چنین مواردی تخصیص خورده است و مواد ۱۲۸۵ و ۱۲۹۱ قانون مدنی به این گونه اسناد عادی اشاره دارد.^۱

۱. عارفی مسکونی، علی، «تحلیل و بررسی نظر فقهای شورای نگهبان در خصوص مواد ۲۲ و ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ از منظر علم اصول فقه»، مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۴۳، ۱۳۹۹، صص ۵۵-۴۶.

بر این نظر فقهای شورای نگهبان، دو ایراد اساسی وارد است. اولاً ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی، شهادت نامه است و شهادت نامه، سند محسوب نمی شود، در حالی که فقهای شورای نگهبان، شهادت نامه را که فقط اعتبار شهادت را دارد، سند محسوب کرده اند که این امر با متن صریح ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی مغایر است که بیان می دارد: «شهادت نامه، سند محسوب نمی شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت». به عبارت دیگر، ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی، سند عادی نیست که ادله قانونی یا شرعی معتبر بر اصلتش دلالت داشته باشد؛ زیرا ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی اصلاً سند محسوب نمی شود. ثانیاً طبق اصل ۷۳ قانون اساسی، شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و این که شورای نگهبان اعلام می کند مواد ۱۲۹۱ و ۱۲۸۵ مخصص مواد ۲۲ و ۴۸ است، به نوعی تفسیر قانون عادی بوده که طبق اصل ۷۳ قانون اساسی از صلاحیت ذاتی شورای نگهبان و به طریق اولی، ذاتاً از صلاحیت فقهای شورای نگهبان تخصصاً خارج است. این که فقهای شورای نگهبان، مواد ۴۶ و ۴۷ را خلاف شرع اعلام نمی کنند، دلالت بر این دارند که سایر ادله اثبات دعوا، تخصیصات خارج هستند.

هم چنین باید دانست جوامع بشری به نهاد ثبت به عنوان اساسی ترین نهادی می نگرند که تضمین کننده امنیت اقتصادی، حقوقی و قضایی جامعه است. به همین دلیل، هر جامعه ای با توجه به شرایط اجتماعی خود با اقتباس از یکی از نظام های ثبت املاک برای دستیابی به این امنیت تلاش می کند. پس دقت در قوانین ثبت اسناد و املاک برای تحقق امنیت اقتصادی جایگاهی ویژه دارد.

بند ششم. لایحه توسعه منطقه آزاد تجاری صنعتی گیلان (انزلی) مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۳

شورای نگهبان در نامه شماره ۳۲۹۹۰/۱۰۲ مورخ ۱۹/۰۶/۱۴۰۱ در خصوص لایحه «توسعه منطقه آزاد تجاری - صنعتی گیلان (انزلی)»، این ایرادها را برشمرد: «در تبصره های ۱ و ۳، منظور از عبارت «محدوده های الحاقی» ابهام دارد؛ در تبصره ۲، منظور از عبارت های «به استثنای محدوده فرودگاهی» و «به منظور عرضه به مسافران» ابهام دارد؛ ایراد مغایرت با بند «۱۱» سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی؛ ایراد مغایرت با بند «۱۱» «۱۷» سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی». کمیسیون اقتصادی برای رفع ایراد مذکور، پنج تبصره به مصوبه قبلی مجلس اضافه کرده است. با تحلیل موارد اصلاحی توسط کمیسیون به نظر می رسد که ایراد شورای نگهبان هم چنان باقی است؛ چون مصوبه آن کمیسیون

در خصوص معافیت‌های مالیاتی و گمرکی مناطق الحاق شده به منطقه (مغایرت با بند «۱۷» سیاست‌های کلی) و هم‌چنین توسعه مناطق آزاد تجاری. صنعتی در راستای انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج (مغایرت با بند «۱۱» سیاست‌های کلی)، اصلاحات مؤثری نداشته است.

اصلی‌ترین مسئله در رد این لایحه آن است که در سال‌های اخیر و بعد از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تحلیل‌های صورت گرفته از این سیاست در راستای بهبود امنیت اقتصادی بسیار متناقض است. همین مسئله سبب شده است نقطه قوت این سیاست در بسیاری از موارد به نقطه ضعف تبدیل شود. این مشکل در مرحله اول به علت برداشت‌های متفاوت در قوه مقننه و شورای نگهبان از این سیاست است. ایجاد رویه‌ای یکسان طبق آیین‌نامه‌های مشخص برای اجرای اقتصاد مقاومتی می‌تواند برای حل بسیاری از مشکلات که نمونه‌ای از آن ذکر شد، مفید باشد.

گفتار چهارم. آسیب‌شناسی و ارائه راهبردها در حل مشکلات موجود برای تحقق امنیت اقتصادی

در وضعیت کنونی اقتصادی کشور، تأمین امنیت اقتصادی به عنوان یکی از پایه‌های اساسی رشد و توسعه جامعه اهمیت بسزایی دارد. نقش شورای نگهبان در حفاظت از اصول اقتصادی قانون اساسی و نظارت بر هماهنگی قوانین با شرع و قانون اساسی بر این اهمیت افزوده است. این نهاد به واسطه مسئولیت‌های خود در نظارت و تفسیر قوانین می‌تواند در ایجاد محیطی پایدار و قابل اطمینان برای فعالیت‌های اقتصادی نقش مهمی ایفا کند. با این حال، تحقق امنیت اقتصادی، نیازمند شناخت دقیق چالش‌ها و آسیب‌های موجود در این حوزه و تدوین راهبردهای مناسب برای رفع این چالش‌هاست. آسیب‌شناسی این موضوع، برخی از کاستی‌ها و خلأها را در نظام اقتصادی و حقوقی کشور آشکار می‌کند که اگر به درستی به آن‌ها توجه شود، می‌توانند راه‌گشای توسعه اقتصادی و افزایش امنیت اقتصادی باشند.

نخستین آسیب، نبود شفافیت در تعریف مالکیت اقتصادی و حدود و اختیارات آن در قانون اساسی است. در حالی که مالکیت اقتصادی به ویژه در بخش خصوصی، از عناصر اساسی برای رشد و توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای به شمار می‌آید، هنوز مفهوم مشخص و روشنی از مالکیت اقتصادی و ابعاد

آن در قانون اساسی ارائه نشده است. این ابهام به تداخل نقش‌های دولت و بخش خصوصی و ضعف در تفکیک مسئولیت‌ها و همچنین تفسیرهای متناقض از قوانین منجر شده است. این امر باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و بهره‌مندی ناکامل از مزایای مالکیت خصوصی در جهت رشد اقتصادی کشور می‌شود. پیشنهاد می‌شود شورای نگهبان با بهره‌گیری از منابع فقهی و قانونی و همراهی کارشناسان اقتصادی، تفسیری جامع و شفاف از مفهوم مالکیت اقتصادی تدوین کند. این رویکرد می‌تواند در راستای کاهش ابهام‌ها و تداخل‌ها به ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی کمک کند.

دومین آسیب، نبود ساختار مشورتی منسجم و تخصصی در شورای نگهبان برای بررسی دقیق و جامع قوانین اقتصادی است. شورای نگهبان از ظرفیت شوراهای مشورتی فقهی بهره‌مند است، اما وجود یک مجمع مشورتی تخصصی شامل کارشناسان فقه اقتصادی و اقتصاددانان می‌تواند تأثیری بسزا در دقت و سرعت بررسی قوانین اقتصادی داشته باشد. این مجمع تخصصی می‌تواند با تحلیل‌های جامع و ارائه نظریات کارشناسی، بررسی تخصصی‌تر و دقیق‌تری از لوایح و طرح‌های اقتصادی ارائه دهد و کیفیت نظارت و تفسیر شورای نگهبان را در امور اقتصادی ارتقا بخشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود این شورا با ایجاد چنین مجمعی از مشاوره‌های تخصصی و دانش‌محور برای ارتقای نظارت خود بر قوانین اقتصادی بهره‌گیرد و از این طریق، بستر مناسبی را برای اجرای قوانین با رویکرد توسعه اقتصادی فراهم آورد.

سومین آسیب، نبود آیین‌نامه داخلی منسجم و مدوّن برای ساختاردهی به رویه‌های تفسیر و نظارت شورا است. نبود چنین آیین‌نامه‌ای باعث می‌شود فرآیند تفسیر و نظارت بر قوانین اقتصادی با برداشت‌های مختلف و گاه متضاد همراه شود. این وضعیت نه تنها باعث سردرگمی فعالان اقتصادی می‌شود، بلکه قدرت اجرایی و قضایی کشور را نیز در معرض تفسیرهای ناهماهنگ از قوانین قرار می‌دهد. تدوین یک آیین‌نامه داخلی منسجم با تأکید بر اصول اقتصادی به ویژه امنیت اقتصادی می‌تواند باعث تنظیم بهتر عملکرد شورای نگهبان شود و استدلال‌های حقوقی و اقتصادی در تحلیل قوانین را بهبود بخشد. این آیین‌نامه به عنوان یک راهنمای جامع، چارچوبی برای بررسی و تفسیر قوانین فراهم می‌کند و به جلوگیری از اختلاف‌نظرها و تناقض‌های احتمالی در تصمیم‌گیری‌ها یاری می‌رساند.

چهارمین آسیب، ابهام در نقش و صلاحیت دولت در حوزه اقتصاد و مالکیت دولتی است. دولت در تنظیم و جهت‌دهی به اقتصاد نقشی اساسی دارد، اما محدودیت‌ها و چارچوب‌های دقیقی برای فعالیت‌های اقتصادی دولتی مشخص نشده است. این ابهام سبب شده است دولت گاه به صورت گسترده و حتی نامتناسبی در حوزه اقتصادی دخالت کند و به ایجاد انحصارهایی بپردازد که با اصول اقتصاد آزاد در تضاد است. نقش دولت باید تسهیل‌کننده و نظارتی باشد و نه مداخله‌گر و انحصاری. پس پیشنهاد می‌شود شورای نگهبان با همکاری دیگر نهادهای قانونی، الگوی شفاف و دقیقی از حدود و صلاحیت‌های دولت تدوین و چارچوبی برای نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی تعیین کند. این اقدام می‌تواند با ایجاد تعادلی مناسب میان مالکیت دولتی و خصوصی از دخالت‌های بی‌رویه دولت در اقتصاد جلوگیری کند.

در نهایت، کمبود الگوی تخصصی برای تقویت رقابت و جلوگیری از انحصار در اقتصاد، یکی از آسیب‌های اصلی و اثرگذار بر امنیت اقتصادی کشور است. در حالی که اقتصاد رقابتی می‌تواند به رشد اقتصادی پایدار و ایجاد فرصت‌های برابر برای بخش‌های مختلف منجر شود، نبود قوانین و چارچوب‌های مناسب برای تقویت رقابت و جلوگیری از انحصارات، فضای اقتصادی کشور را با چالش مواجه کرده است. این امر به ویژه در حوزه‌های مختلف تولیدی و خدماتی، مانع از رشد رقابتی و پایدار اقتصاد می‌شود. شورای نگهبان می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارهای نظارتی خود، الگوهای مناسبی برای تقویت رقابت و جلوگیری از انحصار تدوین کند و نقش نظارتی و حمایتی مؤثرتری بر اقتصاد کشور داشته باشد.

گفتار پنجم. معرفی الگوی مطلوب برای شورای نگهبان در جهت تحقق امنیت اقتصادی

معرفی الگویی کارآمد برای تقویت نقش شورای نگهبان در تحقق امنیت اقتصادی، مستلزم پرداختن به چندین زیرشاخه کلیدی است. نخستین گام در این مسیر، کارآمدتر کردن روش‌های تفسیری شورای نگهبان درباره مفاهیم امنیت اقتصادی است. این امر به معنای دستیابی به روشی است که با بهره‌گیری از اجتهادی پویا و منعطف بتواند ارزش‌های اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به گونه‌ای تخصصی و هدفمند تفسیر کند. چنین رویکردی، شورای نگهبان را قادر

می‌سازد تا با توجه به تغییرات و پیچیدگی‌های اقتصادی به تفسیرهایی نوآورانه و تطبیقی دست یابد که به طور مؤثری در حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی کشور اثرگذار باشند. روش‌های تفسیری مبتنی بر اجتهاد پویا می‌توانند به شورای نگهبان کمک کنند تا امنیت اقتصادی را به عنوان یکی از ارکان اصلی و کلیدی در جامعه شناسایی و تقویت کند.

مسئله مهم دیگر، تبیین حدود و صلاحیت‌های دولت در موضوع اقتصاد و مالکیت دولتی است. در حال حاضر، حدود اختیارات و مسئولیت‌های دولت در حوزه اقتصادی و مالکیت دولتی به طور دقیق مشخص نشده است که این موضوع باعث بروز ابهام‌ها و دخالت‌های بیش از حد دولت در برخی بخش‌های اقتصادی شده است. شورای نگهبان می‌تواند با ایجاد سیستمی نظام‌مند، حدود و شکل فعالیت‌های اقتصادی دولت را بر اساس چارچوب‌های تعریف شده قانون اساسی بازبینی و تعیین کند. چنین چارچوبی هم نقش دولت در اقتصاد را به روشنی مشخص می‌کند و هم میان بخش‌های دولتی و خصوصی در اقتصاد تعادلی ایجاد می‌کند تا از انحصار و رقابت‌های ناعادلانه جلوگیری شود.

یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی، طراحی الگویی تخصصی و مؤثر برای حمایت از رقابت سالم و جلوگیری از انحصار در اقتصاد است. رقابت یکی از عوامل مهم برای پویایی و رشد پایدار اقتصادی است. از این رو، شورای نگهبان باید با استفاده از ابزارهای تفسیری و نظارتی خود به گونه‌ای عمل کند که رقابت سالم در فعالیت‌های اقتصادی تضمین شود. ایجاد یک نظام هماهنگ برای تقویت رقابت و کنترل انحصار می‌تواند نه تنها به بهره‌وری بیش‌تر در اقتصاد کشور منجر شود، بلکه موجب می‌شود بازارهای رقابتی و فرصت‌های اقتصادی برای تمامی فعالان به شکل برابر فراهم گردد. چنین الگویی در راستای تقویت بنیان‌های امنیت اقتصادی عمل خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

شرایط اقتصادی کنونی کشور از جمله تورم بالا، بی‌ثباتی اقتصادی، ناامنی در فضای اقتصادی و وضعیت ناپایدار بازرگانی و تجارت با حقوق اقتصادی تصریح شده در قانون اساسی هم‌خوانی ندارد و رفاه و معیشت بخش قابل توجهی از مردم را با چالش مواجه کرده است. با توجه به این وضعیت، نقش شورای نگهبان در پاسداری از اصول قانون اساسی و حمایت از حقوق اقتصادی شهروندان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این شورا به عنوان مفسر و نگهبان قانون اساسی می‌تواند نقشی

بنیادین در ایجاد و حفظ امنیت اقتصادی داشته باشد و به طور جدی، این حق را به عنوان یکی از ارکان اصلی در سیستم حقوقی کشور تقویت کند.

امنیت اقتصادی بر اساس مبانی علم اقتصاد، سهمی حدود یک سوم از رشد اقتصادی کشورها را به خود اختصاص می‌دهد و از اهمیت استراتژیکی برخوردار است. بسیاری از کشورها هنگام تدوین و تصویب قوانین خود، مسئله امنیت اقتصادی را به عنوان اولویت اصلی در نظر می‌گیرند تا بستر مناسب برای توسعه و رشد اقتصادی پایدار فراهم شود. این واقعیت بیانگر آن است که توجه شورای نگهبان به حفظ و تأمین امنیت اقتصادی می‌تواند مسیر رشد و پیشرفت اقتصادی را هموار سازد و نظام حقوقی کشور را نیز در این زمینه تقویت کند. با این حال، یکی از چالش‌های اصلی در نظام حقوقی کشور، نبود رویکردهای نوین و فعال در تفسیر و نظارت بر قوانین اقتصادی است. نبود دانش کافی در حقوق عمومی اقتصادی و ساختارهای منسجم برای فعالیت‌های حقوقی و اقتصادی سبب شده است نهادهای فعال در این حوزه به صورت پراکنده و ناکارآمد عمل کنند. در حالی که برخی کشورها با استفاده از استدلال‌های حقوقی و اقتصادی، نظام‌های حقوقی خود را به‌روز کرده‌اند، هم‌چنان خلأهای قانونی و حقوقی در ساختار اقتصادی ما مشاهده می‌شود. در این زمینه، نقش شورای نگهبان در ارائه تفسیرهای روشن و همساز با اقتصاد مدرن و متناسب با نیازهای جامعه بیش از پیش اهمیت دارد.

تحلیل و بررسی لوایح و طرح‌های اقتصادی و ارزیابی نظرهای شورای نگهبان نشان می‌دهد که اگرچه این نهاد در زمینه‌هایی مانند مالکیت، سرمایه‌گذاری و انحصار اقتصادی نظرهای متعددی ارائه کرده است، اما این دیدگاه‌ها به صورت جامع و یک‌پارچه برای بهبود شاخص‌های امنیت اقتصادی به کار گرفته نشده‌اند. از این رو، اگر شورای نگهبان از رویکردهای نوین و جامع‌تری برای تفسیر و نظارت بر قوانین اقتصادی استفاده کند، می‌توان انتظار داشت که شاخص‌های امنیت اقتصادی در چارچوب قانون اساسی بهبود یابد و بستر مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم شود.

مبتنی بر نتایج این پژوهش، تدوین و اجرای یک روش تخصصی و تفسیری بر پایه اجتهاد پویا و ارزش‌های کلیدی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌تواند به عنوان الگویی مؤثر برای شورای نگهبان در راستای حمایت از امنیت اقتصادی در جامعه به کار رود. این رویکرد می‌تواند

نقش شورای نگهبان را در حفاظت از حقوق اقتصادی شهروندان تقویت و جایگاه امنیت اقتصادی را به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام حقوقی کشور تثبیت کند.

بهبود روش‌های تفسیری در حوزه امنیت اقتصادی، تعیین دقیق نقش و اختیارات دولت در حوزه اقتصاد و مالکیت دولتی و طراحی الگوی تخصصی برای ارتقای رقابت و جلوگیری از انحصار، از جمله راهبردهای کلیدی به شمار می‌آیند که به شورای نگهبان در ایفای نقش مؤثرتر در تحقق امنیت اقتصادی کمک خواهند کرد. این راهبردها در کنار هم می‌توانند ساختارهای اقتصادی و حقوقی کشور را تقویت و به عنوان پایه‌ای مطمئن برای توسعه اقتصادی پایدار عمل کنند.



فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. فتحی، محمد و کاظم کوهی اصفهانی، اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان، تهران: سمت، ۱۳۹۴.

ب) مقاله

۱. اردلانی، کورش، «جایگاه فعالیت‌های تجاری از منظر قانون اساسی و شورای نگهبان»، نخستین جشنواره تألیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی، قم، ۱۳۹۷.

۲. ایروانی، جواد، سید ابوذر حسینی و مرتضی مرتضوی کاخکی، «نگرشی قرآنی به مفهوم امنیت اقتصادی و ترسیم نظام آسیب‌شناسی و تأمین آن»، فصل‌نامه آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۸، ۱۴۰۰.

۳. پروین، خیرالله، «جستاری بر اندیشه دادرسی اساسی در جهان»، مطالعات حقوق تطبیقی، سال ششم، شماره ۱، ۱۳۹۴.

۴. خرسند موقر، نسترن، سید محمد هاشمی و علی محب، «تحلیل حق اشتغال و مصادیق آن در رویه شورای نگهبان و مطالعه تطبیقی آن با دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، شماره ۴۱، ۱۴۰۰.

۵. طلابکی، اکبر و محمدامین ابریشمی‌راد، «بررسی ماهیت نظرات شورای نگهبان»، دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۹۲.

۶. عارفی مسکونی، علی، «تحلیل و بررسی نظر فقهای شورای نگهبان در خصوص مواد ۲۲ و ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ از منظر علم اصول فقه»، مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۴۳، ۱۳۹۹.

۷. قاسمی حامد، عباس، «حقوق اقتصادی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۰، ۱۳۹۴.

۸. مهرپور، حسین، «دادگاه حافظ قانون اساسی: شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۹، ۱۳۶۶.

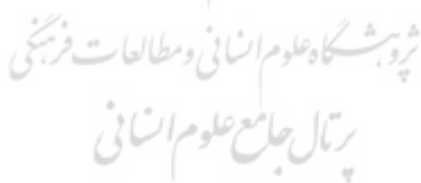
۹. ویژه، محمدرضا، «اصل امنیت قضایی»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۸۳، ۱۳۸۲.

ج) پایان نامه

۱. ایرج، محسن، «صیانت از حقوق مالکانه اشخاص در پرتو آرای دیوان عدالت اداری و نظرات شورای نگهبان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران، ۱۳۹۴.
۲. رفیعی علوی، سید احسان، «حق امنیت اقتصادی در حقوق عمومی: بررسی رویه شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.
۳. کلاته، علی، «تأثیر نظارت تقنینی شورای نگهبان در تأمین امنیت حقوقی شهروندان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۴۰۲.

2. Latin Source

1. Th. DiManno "Le juge constitutionnel st la technique des decisions interpretatives en France et en Italie", Economica, Paris, 117(2002), pp. 91-109.



Economic security in the light of the views of the Guardian Council

AmirHooshang Dehghan¹

Rouhallah Rahimi²

Hosein Alaei³

Abstract

The broad interpretation of the constitution in the protection of people's rights and also the necessity of passing comprehensive laws can be considered as the main issue which, if applied, in the field of public economic law, will undoubtedly have no result except the improvement of the country's economic security indicators. The Guardian Council, as the interpreter and guardian of the Constitution and economic rights and freedoms, can guarantee the fundamentalization of the right to economic security in the legal competences of the public sector economy, and this performance cannot be achieved except by explaining economic security in all governing bodies. Knowing the indicators of economic security can improve economic security as a path-breaking element. The purpose of this article, which is an applied and descriptive-analytical research, is to reach the conclusion that: by presenting what model can be interpreted and monitored by the Guardian Council of made the constitution more efficient in order to support economic security indicators. In this regard, it is important to show that the performance of the Guardian Council has a direct effect on economic security indicators. In the end, the conclusion was reached that: creating an interpretation method based on the model The high dynamic ijtihad and high economic values of the Islamic Republic of Iran's constitution can be considered as a model in which economic security is supported as the main economic pillar in the society and improves the performance of the Guardian Council in order to improve security indicators be economical.

Keywords: economic security , interpretation , guardian council , supervision.

1. PhD Student, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran, amir.deh@gmail.com

2 Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author) rahimi.mehr48@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran, alaeel364@yahoo.com